



اعراض از حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی در حقوق ایران و کامن لا

فاطمه طایفی نصرآبادی^۱

روح اله بخت جو^۲*

چکیده

اعتراض ثالث به عنوان یک مفهوم کلی حقوقی در نظام‌های قانونی مختلف به شیوه‌های گوناگون مورد اشاره و اجرا قرار گرفته است. هنگامی که فردی نه در جریان دادرسی عادی یا فوری حضور داشته و نه به عنوان طرف دعوی دعوت شده باشد، اما رأی یا تصمیم قضایی صادره به گونه‌ای حقوق او را نقض کند، قانون‌گذار امکان اعتراض ثالث را پیش‌بینی کرده است تا به حقوق ادعایی او رسیدگی شود. بدیهی است، در مواردی که معترض ثالث هنگام توقیف مال حکم قطعی را ارائه می‌کند، مشکلی پیش نمی‌آید، زیرا با فرض قابل پذیرش دانستن اعتراض ثالث اجرایی هنگام توقیف مال، در هر حال، حکم قطعی مربوط به زمان قبل از توقیف می‌شود، اما در مواردی که بین زمان توقیف مال تا اطلاع ثالث و طرح ادعا، فاصله زمانی قابل توجهی وجود داشته باشد؛ مشکل فوق‌الظهور و بروز می‌یابد. در این خصوص ضروری است قضات دادگاه با شناسایی موضوع و تذکر به مسئولان شعب، تمهیدات لازم را برای رسیدگی سریع‌تر و بدون تشریفات لازم فراهم کنند. گاهی این طریق که در جهت احقاق حق در نظر گرفته شده است، دستاویزی جهت سوء استفاده غیر ذیحق یا بدهکار دارای سوء نیت قرار می‌گیرد و دستگاه قضایی و احقاق حق را با مشکل جدی روبرو می‌نماید. اما وظیفه دیگر قاضی کنترل سوء رفتار و عدم حسن نیت است. یکی از بهترین و فوری‌ترین ضمانت اجرای سوء استفاده از حق، سلب حق است. بنابراین، ابطال دعوای واهی و عدم رسیدگی به آن، عدم پذیرش مال مستهلک معرفی شده با انگیزه تأخیر در اجرای حکم، رد ادعای واهی و اعمال ضمانت اجرای ادعاهای واهی و غیره یک وظیفه است. معیارهای زیادی در تشخیص سوء استفاده از حق وجود دارد و همانطور که قانون‌گذار در ماده ۱۳۲ قانون مدنی از رفع نیاز و دفع ضرر سخن می‌گوید، قاضی از کشف قصد واقعی مالک معاف است. اما از سوی دیگر، قاضی می‌تواند با توجه به وضع موجود تشخیص دهد که آیا عمل مدیون حکم، متعارف است یا به منظور تأخیر در اجرای حکم.

واژگان کلیدی: حسن نیت، وصف تجریدی، اعتراض ثالث اجرایی، تقلب در اعتراض ثالث اجرایی.

^۱ گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران: fatemehtayefi23@gmail.com

^۲ گروه حقوق، واحد تفت، دانشگاه آزاد اسلامی، تفت، ایران (نویسنده مسئول): dr.bakhtjoo.ut@gmail.com



مقدمه

اعتبار نظام قضایی و اعتماد عمومی به آن در گرو وجود یک دادرسی عادلانه و عاری از حيله و نیرنگ است. اجرای مؤثر حکم، یکی دیگر از مظاهر دادرسی عادلانه است و حتی از مراحل دادرسی مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر است. اجرای مؤثر رأی به معنای اجرای رأی با روش‌های آسان در کوتاه‌ترین زمان و با کمترین هزینه برای طلبکار است، به گونه‌ای که هم طلبکار به حقوق از دست رفته خود برسد و هم آبروی محکوم‌علیه حفظ شود و عملیات اجرایی بدون تأخیر یا مانعی تا رسیدن به هدف به طور مداوم ادامه یابد. امروزه دو عامل کلیدی در اجرای حکم، سرعت و هزینه و مبنای صدور حکم، طرف برنده است. موانع مؤثری وجود دارد که اجرای حکم را مستقیماً با توقف یا تأخیر مواجه می‌کند. این موانع می‌تواند ناشی از نقص ماده قانونی یا فقدان قانون یا انگیزه‌های غیرقانونی در کنار کلاهبرداری مدعیان باشد. به دلیل تسلط کامل بر قوانین، افراد سودجو و سودجو از ابهامات و خلاهای قانونی سوء استفاده کرده و سعی در جلب منافع خود دارند و مانع اجرای سریع حکم می‌شوند. فرار آسان بدهکار از تعهد با اثبات تمکن مالی و تقسیط بدهی، وجود ادله اثبات دعوی برای محکومین مالی به منظور اثبات متقلبانه تمکن مالی، رسیدگی‌های مکرر و معوقه بر روند دادرسی متناقض و اقدامات واهی (تخلیه حساب) مانند مخالفت‌های مکرر با عملیات اجرایی یا ایجاد مزاحمت تنها با ایجاد تأخیر در عملیات اجرایی، از مشکلات دستگاه قضایی در اجرای احکام است.

در مرحله اجرای حکم، طلبکار همواره در تلاش است تا حکم را سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر اجرا کند و محکوم‌علیه در تلاش است تا مانعی برای اجرای حکم ایجاد کند و این تضاد منافع تا جایی پیش می‌رود که گاهی در حین اجرای حکم، محاکمه دیگری بین آنها پیش می‌آید. در بحبوحه این تضاد منافع، محکوم‌علیه در تلاش است تا با ایجاد موانع غیرقانونی و غیراخلاقی، پرداخت بدهی را به تعویق بیندازد و به همین دلیل به ترفندهایی متوسل می‌شود که به بررسی ضوابط دعاوی واهی (اعتراض بدون حسن نیت ثالث)، به مثابه سوءاستفاده از احکام قانونی جهت اجرای حکم خواهیم پرداخت. ترفندهای دادرسی به هوش و ذکاوت اصحاب دعوا بستگی دارد و در اشکال و مصادیق مختلف ظاهر می‌شود.

مشکلات واحد اجرای احکام قضایی در حوزه محکومیت‌های مالی بواسطه اعراض از حسن نیت معترض و موانع موجود در اجرای سریع، آسان و کم‌هزینه احکام را که عمدتاً منتسب به متهم و رفتارهای آمیخته با تقلب، حيله و تبانی اوست، بررسی کند تا شناسایی و بر اساس رویه قضایی، راهکاری برای تضمین سلامت دادرسی ارائه دهد. با توجه به اینکه منبع مستقل و جامعی در این زمینه وجود ندارد، این موضوع با تأکید بر رویه قضایی و نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه که یکی از راهکارهای ایجاد رویه قضایی در دادگاه‌ها است، مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- مفهوم اعتراض ثالث اجرایی

اعتراض ثالث در معنای کلی شامل دعوای «اعتراض شخص ثالث»، «اظهار حق ثالث» و «شکایت شخص ثالث» می‌شود؛ چنان‌که قانون اجرای احکام مدنی نیز در فصل پنجم خود از این عنوان کلی استفاده کرده است. اما میان دعوای اعتراض شخص ثالث نسبت به رأی و شکایت ثالث نسبت به عملیات اجرایی رأی، هم از جهت مفهوم و



گستره و هم از منظر حقوق مورد ادعا، تفاوت مبنایی وجود دارد؛^۱ مبنای اولی اصل نسبیت رأی و مبنای دومی اصل رعایت حقوق دفاعی است. در واقع شکایت شخص ثالث صرفاً درخصوص توقیف اجرایی مال در فرضی که توقیف مستقیماً موضوع رأی نباشد، مطرح می‌شود. این دعوا در مرحله اجرای رأی بسته به مدرک ادعا، به «اظهار حق ثالث» و «شکایت شخص ثالث» تقسیم می‌شود.

«شکایت ثالث از عملیات اجرایی» و «اعتراض ثالث» از نظر آغاز دعوا، نوع تصمیم دادگاه و قابلیت اعتراض به، شباهت‌هایی دارند؛ درعین حال میان این دو از منظر مرجع رسیدگی، تشریفات دادرسی، قابلیت طرح برخی دعاوی طاری، محل و زمان رسیدگی به دلایل طرفین، تمایز جدی وجود دارد.

۲- چستی اعتراض ثالث اجرایی

اگر شخص ثالثی نسبت به مالی که توسط دادگاه توقیف شده باشد، مدعی حقی مانند حق مالکیت آن مال باشد، می‌بایست دادخواستی را تحت عنوان «اعتراض ثالث اجرایی» بطرفیت خواهان و خوانده دعوایی که بموجب آن مال ادعایی توقیف شده است، مطرح نماید. لذا در دعوای اعتراض ثالث اجرایی، خواهان شخص ثالث است و خواندگان دعوا هر دو طرف پرونده اجرایی می‌باشند. در حال حاضر طرح این دعوا در قالب فرم دادخواست می‌باشد و معترض ثالث باید به دفاتر خدمات قضایی مراجعه نماید و کپی مصدق مدارک مالکیت خود را به پیوست دادخواست ارائه دهد. اگر مستند مورد ادعای شخص ثالث، حکم قطعی یا سند رسمی باشد مطابق با ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، در صورتی که تاریخ مدرک ارائه گردیده شخص ثالث، مقدم بر تاریخ توقیف مال باشد، دادگاه حکم به رفع توقیف می‌دهد. در غیر این صورت اگر مستند مورد ادعای شخص ثالث، سند عادی مثل یک مبیعه‌نامه باشد، نیازمند این است که در دادگاه دعوایی مطرح گردد. در مقاله حاضر که توسط گروه وکلای عدالت سرا تحریر یافته است، سعی می‌گردد به تفصیل در خصوص اعتراض ثالث اجرایی و مرجع صالح جهت رسیدگی به آن پرداخته شود.

بر اساس مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی هرگاه شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده اظهار حقی نماید، اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است، توقیف رفع می‌شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می‌گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می‌تواند به دادگاه شکایت کند.^۲ شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می‌شود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می‌شود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوا به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می‌کند و در صورتی که دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف شکایت صادر می‌کند. اگر معترض ثالث خواهان رفع

^۱ - محسنی، حسن، و رضایی نژاد، همایون. (۱۳۹۰). «شکایت ثالث از عملیات اجرایی» در مقایسه با «اعتراض ثالث به رأی». حقوق

خصوصی، ۸ (پیاپی ۱۸)، ۸۱-۱۰۷. SID. <https://sid.ir/paper/489526/fa>

^۲ - پروین رسول، پاهیکیده، امین و اعتمادی، الهه. (۱۳۹۶). اعتراض ثالث اجرایی در قانون اجرای احکام مدنی. پژوهشهای حقوقی،

۱۶ (۳۱)، ۱۴۳-۱۲۳.



توقیف باشد دادگاه می‌تواند با اخذ تأمین مبادرت به صدور دستور رفع توقیف نماید و در صورتی که محکوم‌له از مال معرفی شده صرف‌نظر نماید رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث موقوف خواهد شد.

۳- چستی عدم حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی

در این پژوهش عدم داشتن حسن نیت^۱ مستلزم شناسایی تمامی ابعاد مدعی ثالث اجرایی مورد نظر گرفته شود تا از هر گونه سوء استفاده احتمالی و تبانی بین محکوم علیه دعوی اصلی و شخص ثالث که در مرحله اجرای حکم وارد شده تا از انتقال یک حق جلوگیری کند حتی که قبلاً در یک نظام حقوقی و قضایی با متخصصان خود تا مرحله اجرای حکم حداقل در ۲ مرحله از سیستم دادرسی یعنی ۱- دادگاه بدوی ۲- محاکم تجدیدنظر مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس مقررات و قوانین با رعایت اصول محاکمات تصمیم‌گیری شده است و برابر همین تصمیم حقی ثابت و در مرحله اجرای قرار گرفته است. لذا اهمیت این مسئله یعنی اعتراض ثالث اجرایی وقتی بروز می‌کند و خود را نشان می‌دهد که از هنگام وارد شدن ثالث اجرایی در دعوی تا به اثبات رسیدگی حقی دیگر که در تعارض با حق اولی قرار دارد و در یک پارادوکس و تضاد آشکار قرار گرفته است و هر لحظه امکان فرو پاشی حق اول را تهدید می‌کند.^۲ فلذا حق دوم که به عنوان مدعی جدید خود را در سیستم رسیدگی مجدد قرار داده قطعاً باید از لحاظ اثباتی بسیار قوی تر از حق اول باشد که دارنده حق دوم یا همان ثالث اجرایی با در دست داشتن تمامی دلایل مطروحه قویاً به ستیز با حق اول رفته که در نتیجه رسیدگی به دعوی ثالث اجرایی آن را مغلوب و چهره حق واقعی هویدا می‌شود در اینجا است که این فرآیند اهمیت موضوع را دو چندان می‌نماید. لازم به ذکر است به حکم مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ علت دیگری از اهمیت این حق را نمایان می‌کند.

۴- نحوه طرح دعوای اعتراض ثالث اجرایی

اعتراض ثالث اجرایی فی‌الواقع اعتراض به مدلول رای نیست بلکه اعتراض به بازداشت مالی است که در اجرای حکمی بازداشت شده، بی‌آنکه صدور رای و محکومیت هر کدام از طرفین برای معترض ثالث اجرایی اهمیتی داشته باشد. دعوای اعتراض ثالث اجرایی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و نیز بدون پرداخت هزینه دادرسی می‌باشد. دادگاه با تشکیل جلسه رسیدگی و بررسی اسناد و مدرک ارائه گردیده از سوی معترض ثالث، تحقیقات مقتضی را به هر نحوی که لازم بداند انجام داده و در صورتی که دلایل شکایت معترض ثالث را محکمه‌پسند تشخیص دهد، قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث اجرایی صادر می‌نماید. در ارتباط با قرار توقیف عملیات اجرایی، رئیس کل دادگستری استان تهران در بند دوم بخشنامه شماره: ۱۰/۵۱۹۵ تاریخ: ۱۴۰۳-۰۳-۲۲ بیان داشته است که: «اگر در جریان اجرای تأمین خواسته یا اجرای حکم، شخص ثالث نسبت به مال توقیفی ادعای حقی نماید لازم است در راستای اجرای ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی «قرار توقف عملیات اجرایی» را درخواست نماید.» لذا خواهان نباید از عبارت «دستور موقت» در دادخواست اعتراض ثالث اجرایی استفاده نماید.

^۱- objections cheat sheet.

^۲- Statutory guidance, PAN 1/23: Practice for raising bad faith objections at examination stage Published 3 April 2023, Intellectual Property Office.



لازم به توضیح است مستند به ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، در فرضی که مال مورد اعتراض مال منقول باشد، دادگاه این اختیار را دارد تا با اخذ تامین متناسب دستور رفع توقیف و تحویل مال به معترض را صادر نماید. اما مستند به بند ۵۷ بخشنامه شماره: ۱۰/۴۶۶۴ مورخ ۱۱-۰۴-۱۴۰۴ رییس کل دادگستری تهران و بیان نکاتی درباره اجرای احکام مدنی، «توقیف عملیات اجرایی موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی نسبت اموال غیرمنقول به منزله رفع توقیف از مال نمی‌باشد». هر چند که با ارائه یک سند عادی احتمال تبانی نیز می‌رود اما با انجام اقدامات ذکر گردیده، دادگاه حقیقت را کشف می‌کند چراکه امروزه بسیاری از معاملات میان افراد بر اساس مبیعه‌نامه‌های عادی صورت می‌گیرد. در صورتی که دادگاه ادعای معترض ثالث را بپذیرد، حکم به رفع توقیف از مال معترض‌عنه صادر می‌نماید. حکم صادره اعلامی بوده و دیگر نیازی به صدور اجرائیه نمی‌باشد. یکی از آثار دعوای اعتراض شخص ثالث اجرایی، توقیف عملیات اجرایی می‌باشد یعنی دادگاه با ارسال رونوشت نامه‌ای به اجرای احکام، قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی صادر می‌نماید. شایان ذکر است که مستفاد از بند ۵۶ بخشنامه شماره: ۱۰/۴۶۶۴ مورخ ۱۱-۰۴-۱۴۰۴ رییس کل دادگستری تهران و بیان نکاتی درباره اجرای احکام مدنی، از آنجایی که قانونگذار در ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی بیان نموده است «اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است»، تاریخ مقدم به سند رسمی بر می‌گردد. لذا هرگاه شخص ثالث ادعای حقی نماید که مستند به حکم قطعی باشد هر چند تاریخ آن مؤخر بر تاریخ توقیف باشد واحد اجرای احکام باید توقیف را رفع کند.»

۵- مرجع صالح در اعتراض ثالث به عملیات اجرایی و ابطال اجرائیه

در اعتراض ثالث به عملیات اجرایی، اگر مضمون اعتراض معترض ثالث، این باشد که آنچه در راستای وصول مطالبات توسط ذینفع اجرائیه توقیف گردیده است متعلق به او بوده و مدیون مالکیتی نسبت به آن ندارد و اعتراضی نسبت به ماهیت اجرائیه و اصل بدهکاری متعهد اجرائیه نداشته باشد رییس ثبت محل صالح به رسیدگی است. مستندات: شماره دادنامه قطعی:

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱

گروه رأی: حقوقی

آراء منتخب پرونده: شعبه دیوان عالی کشور

رأی خلاصه جریان پرونده

خلاصه جریان پرونده:

شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی * تهران به موجب دادنامه شماره ۵۹۵۴ - ۲۵/۲/۱۴۰۱ چنین اظهار نظر نموده است:

" در این پرونده آقای ج. ح. دعوایی به طرفیت آقای آقای م. س. و بانک کارافرین با وکالت خانم ت. م. و اداره دوم اجرای ثبت مبنی بر اعتراض ثالث به عملیات اجرایی و ابطال اجرائیه و توقیف عملیات اجرایی نسبت به اجرائیه صادره در پرونده کلاسه ۴۰۰۰۰۴۱۵۱۳۵۳۰۰۰۰۴۰ اداره دوم اجرای ثبت تهران مطرح نموده است. خواهان در شرح اعتراض خود مضمونا بیان داشته است. یک دستگاه خودروی ساندرو به شماره شاسی ... با مبیعه نامه عادی از آقای



م. س. مورخ ۲۸/۴/۹۹ خریداری کرده است. و در تاریخ ۸/۹/۱۴۰۰ از سوی فروشنده وکالت رسمی جهت فک پ و سایر امورات مربوط به خودرو اعطای گردیده است. لیکن بانک کارفرین در راستای وصول مطالبات خود و بعد از انتقال مالکیت خودرو به اینجانب اقدام به توقیف آن نموده است با توجه به جمیع اوراق و محتویات پرونده رسیدگی به اعتراض ثالث در صلاحیت این دادگاه نمیباشد. زیرا فی الواقع معترض ثالث، اعتراضی نسبت به ماهیت اجراییه و اصل بدهکاری آقای م. س. به عنوان متعهد اجراییه ندارد. بلکه صرفاً مدعی است. آنچه که در راستای وصول مطالبات توسط ذینفع اجراییه توقیف گردیده است. متعلق به ایشان بوده و مدیون مالکیتی نسبت به آن ندارد. بنابراین با توجه به اینکه اعتراض مشارالیه ناظر به اقداماتی است. که اداره دوم اجرای ثبت در حین عملیات اجرایی انجام داده است. مطابق ماده ۱۶۹ این نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی و ایضا رای وحدت رویه شماره ۷۸۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت رییس ثبت محل صادر و اعلام میگردد. و پرونده در اجرای ماده ۲۸ قانون این دادرسی مدنی به دیوان عالی کشور ارسال میگردد. این قرار غیر قابل تجدیدنظرخواهی است.

با وصول پرونده به دیوان عالی کشور و ارجاع به این شعبه، هیات قضایی شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردید. پس از قرائت گزارش آقای ع. ط. عضو ممیز و ملاحظه اوراق پرونده، مشاوره نموده و چنین رأی صادر می‌نماید:

رأی شعبه دیوان عالی کشور

با توجه به مراتب مذکور، نظر به استدلال مندرج در قرار صادره، استدلال دادگاه در صدور قرار عدم صلاحیت صحیح و منطبق با موازین قانونی می باشد.، توجهاً به ماده ۲۸ قانون این دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، ضمن تایید استدلال مذکور، ادامه رسیدگی به اداره ثبت اسناد محول می گردد.

شعبه دوازدهم دیوان عالی کشور

۶- آثار احراز اعراض از حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی

۶-۱- فوریت اجرای احکام و توفیق در احقاق حق

اگرچه کشف حیل در دادرسی و کنترل رفتارهای ریاکارانه مبتنی بر انگیزه‌های شخصی توسط قاضی، خطرناک است، اما مزایای آن انکارناپذیر است، از جمله فوریت اعمال ضمانت اجرای قانونی. مبارزه با سوءاستفاده از حق عدالت و مدیریت قضایی، مهم‌ترین راهکار برای حل مشکل اطاله دادرسی در اجرای احکام مالی است و این مدیریت برای اجرای حکم در اختیار قاضی قرار دارد. در مرحله اجرا، قاضی می‌تواند با توجه به سوابق، شمارش بدهی، معرفی عین واحد در موارد متعدد، معرفی مال غیرقابل فروش، معرفی مجدد مال پس از پایان مزایده، معرفی امین اموال با سابقه تجاوز به اموال توقیفی و غیره، انگیزه محکوم علیه در فرار از پرداخت بدهی و تأخیر در اجرا را بررسی و با آن برخورد کند. قانونگذار همچنین می‌تواند با وضع قوانین مفید، مانع از سوءاستفاده شده و مسیر اجرای سریع و کم‌هزینه را هموار کند.^۱

۱- کرامت، قاسم. «بررسی تطبیقی اعتراض شخص ثالث نسبت به بازداشت مال». پایان‌نامه ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.



۶-۲- مقابله با مجرمین

لزوم حمایت از محکومان مالی در جبران آثار منفی ضمانت اجرای بدنی (بازداشت)، بستر مساعدی برای مدعیان واهی و سودجو و معضلاتی برای دستگاه قضایی به وجود آورده است. سهولت گریز از اجرای تعهد از ناحیه محکوم علیه با اثبات اعسار و تقسیط بدهی، ادله اثبات در دسترس برای محکومان مالی در اثبات مزورانه تنگدستی، امتیاز دادرسی غیابی در مقابل دادرسی حضوری و همچنین ادعاهای واهی همچون اعتراض ثالث اجرایی و یا معرفی اموال بدون مشتری صرفاً با انگیزه تأخیر در عملیات اجرایی از جمله مواردی است که گریبان گیر دستگاه قضا در مرحله اجرای احکام قطعی است. از منظر نگارندگان این مقاله، مبارزه با سوءاستفاده از حق دادرسی و مدیریت قضایی پرونده‌ها مهم‌ترین راه برای حل مشکل اطاله در اجرای احکام مالی است^۱ و این به دست توانای قاضی رسیدگی کننده یا اجراکننده حکم می‌تواند مدیریت شود تا با کاهش خطاهای قضایی در فرایند دادرسی، خدمات قضایی را با سرعت معقول و هزینه کم ارائه نماید. قانون‌گذار نیز باید با وضع قوانین مفید، منفذهای سوءاستفاده را بسته، مسیر اجرای سریع و کم‌هزینه احکام را هموار سازد.

۶-۳- مقابله کیفری اعراض از حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی

چنانچه شخصی پس از تبانی با مالک ملک توقیف شده، با انعقاد قرارداد صوری و طرح دعوی اعتراض ثالث، ملک را از توقیف خارج نماید، عمل وی مصداق بزه تبانی برای بردن مال غیر است.

مستندات: ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷-

۶-۳-۱- دادنامه محکومیت فرد داری سوء نیت

در این خصوص قضایی مورد توجه است که یکی از آراء مقابله با آن در ذیل می‌آید:

شماره دادنامه قطعی: ۸۹۰۹۹۸۲۱۴۵۳۰۰۵۰۳

تاریخ دادنامه قطعی: ۱۳۹۵/۰۲/۰۴

گروه رأی: کیفری

آراء منتخب پرونده: دادگاه تجدید نظر استان

رأی دادگاه بدوی

در خصوص اتهام آقای ر. ع.ز. آزاد به قید کفالت دائر بر جعل و استفاده از سند مجعول طبق کیفرخواست اصداری از ناحیه ۷ تهران بدین شرح که شاکی خانم ف. ش. در راستای عملیات اجرایی و در جهت وصول طلب خویش از محکوم له پلاک ثبتی ۷۲۶۳/۳۵ بخش ۱۱ تهران را توقیف می نماید و متهم با تنظیم قرارداد عادی و صوری مورخ ۱۷/۱/۸۷ با محکوم له (آقای ن. پ.) به عنوان معترض ثالث نسبت به توقیف پلاک ثبتی یاد شده طرح دعوی و اعتراض می نماید که شعبه ۸۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران اعتراض وی را وارد دانسته حکم به ابطال اجرائیه (رفع توقیف) صادر و اعلام می نماید که

^۱ - اکرمی، زهرا، حاتمی، علی اصغر و پاشازاده، حسن. (۱۴۰۲). موانع و حیل‌های دادرسی در اجرای ارادی محکومیت‌های مالی (با تأکید بر

نظریه سوءاستفاده از حق و رویه قضایی). مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۱۴(۳۲)، ۶۳-۳۳. doi: 10.22034/law.2023.50976.3117



متعاقباً بی اعتباری و غیر واقعی بودن تاریخ مبیعه نامه اثبات و حکم صادره نقض می گردد با نگرش در اوراق پرونده نظر به اینکه رفتار ارتكابی متهم منطبق با عنصر مادی جعل نبوده و قابل انطباق با عنوان مجرمانه قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند، می باشد. لذا دادگاه با تغییر عنوان مجرمانه به شرح مزبور نظر به مفاد دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۲۱۶۱۶۰۰۴۵۱ و ۹۰۰۹۹۷۲۱۶۱۶۰۰۵۳۰ شعبه ۸۰ دادگاه عمومی حقوقی تهران دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۱۲۴۱ مورخ ۲۲/۸/۹۰ اصداری از شعبه ۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نظریه کارشناسان رسمی دادگستری پاسخ استعلام اتحادیه مشاوران املاک و تصویر قرارداد مزبور دادگاه اتهام انتسابی به متهم را محرز دانسته و مستنداً به ماده ۲ قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می نمایند مصوب ۱۳۰۷ ناظر به ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری حکم به محکومیت نامبرده به تحمل دو سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی معادل ثمن قرارداد صوری به مبلغ ۸۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال در حق دولت صادر و اعلام می نماید رای صادره حضوری و ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.

دادرس شعبه ۱۰۳۱ دادگاه عمومی تهران - علی شرف بیانی

رای دادگاه تجدیدنظر استان

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ر.ع.ز. با وکالت آقای الف. ر.ز. نسبت به دادنامه شماره ۶۰۰۹۴۳ صادره از شعبه محترم ۱۰۳۱ دادگاه عمومی جزایی تهران که بموجب دادنامه معترض عنه حکم به محکومیت تجدیدنظرخواه به تحمل دو سال حبس تعزیری و پرداخت جزای نقدی به مبلغ ۸۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی بابت تبانی برای بردن مال غیر موضوع شکایت خانم ف. ش. صادر گردیده بدین شرح که شکایه مبلغی را بعنوان طلب از شخصی به اسم آقای دکتر ن.پ می خواسته و در قبال طلب خود ملکی را از شخص مذکور توقیف می نماید لیکن تجدیدنظرخواه با هماهنگی مالک ملک مورد شکایت ملک موصوف را با استفاده از فرم مبیعه نامه ای که تاریخ ارسال فرم های مذکور از طرف اتحادیه مشاورین املاک مربوط به گذشته اعلام نموده و تا زمان پاسخ استعلام از آنان استفاده نمی شود لهذا به نوعی مبیعه نامه معامله ملک مذکور جعلی معرفی نموده انتهای تجدیدنظرخواه با استفاده از مبیعه نامه ای تاریخ معامله را قبل از تاریخ توقیف ملک معرفی نماید علیهذا با توجه به اینکه اتهام انتسابی مشارالیه محرز است مضافاً اینکه شکایه و متهم یا تجدیدنظرخواه دلیل متقن بر نقض دادنامه معترض عنه ارائه ننموده مضافاً اینکه بنظر رای صادره وفق مقررات شرعی و قانونی اصدار یافته لیکن تجدیدنظرخواه باستناد به ماده ۳۷ و بند ج و چ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مستحق تخفیف است علی ایحال مستنداً به بند الف ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضمن تخفیف مجازات حبس از دو سال به یکسال حبس تعزیری و تخفیف جزای نقدی از ۸۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال به پانصد میلیون ریال جزای نقدی رای صادره را با وصف تخفیف مذکور عیناً تایید و ابرام می نماید. رای صادره قطعی است.

شعبه ۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار

تحلیل مجازات اعراض از حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی

در این حالت نیز شخص ثالثی با تبانی با یکی از طرفین پرونده و به قصد بردن مال متعلق به دیگری، به عنوان شخص ثالث نسبت به حکمی که سابقاً در دادگاه و در دعوی بین دو نفر دیگر صادر شده است، اعتراض می کند.



لازم به ذکر است ورود ثالث و جلب ثالث می بایست حتماً به نحو تبانی با یکی از طرفین پرونده باشد. لذا اگر ورود ثالث با سوء نیت اما بدون تبانی با یکی از طرفین پرونده باشد. در این حالت جرم تبانی برای بردن مال غیر محقق نمی گردد. به عنوان مثال شخص الف علیه شخص ب اقدام به طرح دعوی کرده و در حین رسیدگی شخص ج با تبانی قبلی با شخص الف به عنوان شخص ثالث به قصد بردن مال یا تضییع حق شخص ب وارد دعوا می شود. در این حالت شخص الف و شخص ج از نظر قانونگذار کلاهبردار تلقی می شوند.

۲-۳-۶ تحلیل آراء مذکور

۲-۳-۶-۱- عنصر معنوی جرم

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که؛ برای تحقق این جرم بایستی مرتکب قصد و آگاهی کامل نسبت به عمل انجام شده داشته باشد. و بداند که در چه راستایی تبانی می کند و قصد او از طرح دعوا یا ورود به دعوای اشخاص دیگر تحت عنوان شخص ثالث، ربودن و تصاحب مال فردی دیگر و یا تضییع حقوق آن شخص باشد. پس در صورتی که شخصی تصور کند مال مورد دعوا یا شکایت متعلق به خودش است. دیگر جرم تبانی برای بردن مال غیر محقق نخواهد شد.

۲-۳-۶-۲- مجازات قانونی

همانطور که قبل تر گفتیم در صورت اثبات جرم تبانی برای بردن مال غیر، مرتکبین این جرم کلاهبردار محسوب و به مجازات کلاهبرداری محکوم خواهند شد.

در حال حاضر مطابق قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مجازات جرم کلاهبرداری علاوه بر رد مال، یک تا هفت سال حبس بوده است. در حال حاضر از آنجایی که در تبصره ماده ۱۱ قانون جدید کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹، جرایم تعزیری درجه ۴ الی درجه ۸ مشمول تقلیل و کاهش مجازات حبس شده اند. و مجازات این جرم هم مطابق ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی در زمره مجازات های تعزیری درجه پنج قرار می گیرد. لذا در حال حاضر، مجازات این جرم از ۶ ماه تا ۳ سال و نیم حبس خواهد بود.

۴-۶-۶-۴- مقابله حقوقی با اعراض از حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی

۴-۶-۶-۴-۱- جریان نداشتن اصل عدم توجه ایرادات نسبت به دارنده بدون حسن نیت

قاعده کلی آن است که در صورت بروز اشکال در عملیات اجرایی اجرای حکم، دادگاه صادرکننده اجرائیه (به دلالت ماده ۵ قانون اجرای احکام مدنی، دادگاه نخستین) (دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می شود). به اشکالاتی که در اجرای حکم پیش می آید رسیدگی می نماید مانند صدور قرار توقیف عملیات اجرایی پس از حجر یا فوت محکوم علیه (مستند به ماده ۲۵ قانون اجرای احکام مدنی). لذا به طور معمول، حکم توسط همان دادگاهی که آن را صادر نموده است اجرا می گردد مگر اینکه آن شعبه جهت اجرای حکم، به دادگاهی دیگر نیابت قضایی داده باشد. حال در فرضی که دادگاه صادرکننده حکم جهت اجرای حکم صادره به دادگاهی دیگر نیابت قضایی اعطاء نماید، وفق ماده ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی، رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای حکم در صلاحیت دادگاه اجراکننده حکم است.



بنابراین و با لحاظ مقدمه پیش گفته چنانچه دادگاه سنندج جهت اجرای حکم به شهرستان بوشهر نیابت قضایی دهد تا اموال متعلق به محکوم علیه (شخصی که حکم به ضرر وی صادر شده است). توقیف شود و مأمور اجرا (دادورز اجرای احکام) نیز اقدام به توقیف اموال متعلق به وی نماید. اگر شخص ثالثی به توقیف صورت گرفته معترض باشد، می‌بایست دادخواست اعتراض ثالث اجرایی خود را تقدیم دادگاه بوشهر (دادگاه مجری نیابت) نماید چراکه اشتباه در توقیف اموال از سوی دادگاه اجراکننده نیابت بوده است نه دادگاه صادرکننده حکم (دادگاه صادرکننده اجرائیه- دادگاهی که حکم تحت نظر وی اجرا می‌شود). پرواضح است که دادگاهی که حکم توسط آن اجرا می‌شود (دادگاه مجری نیابت)، در صورتی صالح است اختلافاتی که در اجرای حکم پیش آمده را رفع نماید که اختلافات، ناشی از اجمال یا ابهام در اصل حکم نباشد (اختلاف در اجرای حکم ربطی به اصل حکم نداشته باشد)، لذا اگر اختلافی پیش بیاید که ناشی از اجمال یا ابهام حکم باشد رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاهی که حکم را اجرا می‌کند نمی‌باشد (در صلاحیت دادگاهی است که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود). (دادگاه صادرکننده اجرائیه)^۱.

اما در فرضی که دادگاه صادرکننده اجرائیه (دادگاهی که حکم تحت نظر وی اجرا می‌شود). به منظور اجرای حکم به دادگاه دیگری برای توقیف مال معین واقع در آن حوزه قضایی، نیابت داده و پس از توقیف، شخص ثالث به آن اعتراض کرده است، با توجه به اینکه توقیف مال مذکور بنا به درخواست و نظر دادگاه معطی نیابت انجام شده و دادگاه مجری نیابت صرفاً مفاد نیابت را اجرا کرده است، بنابراین، رسیدگی به این اعتراض در صلاحیت دادگاه معطی نیابت است. (مطابق با رأی وحدت رویه شماره ۸۰۲ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور)

۷- ضوابط اعراض از حسن نیت در ایرادات به اجرای رأی دادگاه در حقوق کامن لا

در حوزه دعاوی مدنی، اجرای حکم مرحله‌ای حیاتی است که در آن حقوق تعیین شده توسط حکم دادگاه به واقعیت تبدیل می‌شوند. هنگامی که دادگاه حکمی مبنی بر تصرف صادر می‌کند، دارنده حکم حق دارد حکم را اجرا کند، معمولاً با به دست آوردن تصرف در ملک مورد اختلاف. با این حال، مسیر اجرا همیشه ساده نیست. چالش مهمی زمانی ایجاد می‌شود که شخص ثالثی که طرف دعوی اصلی نبوده است (یعنی کسی که نه شاکی بوده و نه خوانده در یک دعوی خاص)، به دلیل داشتن حق یا مالکیت مستقل بر ملک مورد نظر، به اجرای حکم اعتراض می‌کند.

این پروژه چارچوب قانونی و قضایی پیرامون چنین اعتراضات شخص ثالثی به اجرای احکام از طریق اعطای تصرف به دارنده حکم را بررسی می‌کند. در این بخش با تجزیه و تحلیل رویه قضایی و مقررات قانونی، در پی روشن کردن اصول حقوقی است که راهنمای رسیدگی به اعتراضات شخص ثالث در مراحل اجرای احکام است. همچنین رویکردهای قضایی اتخاذ شده توسط دادگاه‌های عالی مختلف و دیوان عالی کشور را به طور انتقادی بررسی می‌کند و پیامدهای این دیدگاه‌های متفاوت را

^۱- <https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/4356>.



در مورد اجرای احکام برجسته می‌سازد. در نهایت، هدف این پروژه ارائه چارچوبی منسجم‌تر و عادلانه‌تر است که اجرای مؤثر احکام را تضمین می‌کند و در عین حال از حقوق مشروع اشخاص ثالث نیز محافظت می‌کند.^۱

چارچوب قانونی حاکم بر اعتراض شخص ثالث به اجرای حکم، در طول مدت زمان طولانی تکامل یافته است. به همین دلیل، باعث ایجاد تفاوت در تفسیرها در دادگاه‌های عالی شده است. این دادگاه‌ها با دیدگاه‌های متنوعی به این موضوع پرداخته‌اند که نشان دهنده پیچیدگی ایجاد تعادل بین حقوق اشخاص ثالث و لزوم اجرای کارآمد و مؤثر احکام قضایی است. انواع ایرادات زیر در دادگاه عموماً بر اساس قوانین مربوط به شواهد و مدارک رایج در حوزه های قضایی آمریکا و انگلیس به عنوان پایه گذاران حقوق کامن لا هستند.

۷-۱- مرتبط بودن

ایراد مرتبط بودن بر اساس این استدلال است که شواهد به پرونده مربوط نیستند. شواهد تنها در صورتی مرتبط تلقی می‌شوند که در اثبات یک موضوع مهم ارزش داشته باشند. ایرادات مرتبط بودن به دنبال جلوگیری از حواس‌پرتی یا تحت تأثیر قرار گرفتن اعضای هیئت منصفه توسط اطلاعاتی هستند که به موضوع حقوقی مورد بحث مربوط نیستند. طبق ماده ۴۰۳ از قوانین شواهد فدرال ایالات متحده، دادگاه می‌تواند شواهد را، حتی اگر مرتبط باشند، در صورتی که ارزش اثباتی آنها از احتمال تعصب ناعادلانه یا سایر آسیب‌ها به روند هیئت منصفه بیشتر باشد، حذف کند. بر این اساس، قاضی باید هنگام صدور حکم در مورد ایراد مرتبط بودن، این ملاحظات را بسنجد. ارتباط اغلب یک حوزه‌ی بحث‌برانگیز از اعتراضات است. نتیجه بسته به شرایط بسیار متفاوت است و تصمیم قاضی اغلب در ایالات متحده بسیار سلیقه‌ای است. یک سوال می‌تواند به عنوان استدلالی بودن مورد اعتراض قرار گیرد، زمانی که به دنبال اطلاعات جدید نیست، بلکه در عوض به دنبال موافقت شاهد با یک استنتاج یا نتیجه‌گیری است.^۲

این ایراد همچنین می‌تواند به عنوان "آزار دادن شاهد" مطرح شود. سوالها در رسیدگی های قضایی در خصوص به چالش کشیدن اجرای حکم می‌تواند از مصادیق ذیل باشد: "آیا انتظار دارید هیئت منصفه باور کند کسی که در همسایگی شما زندگی می‌کند می‌تواند یک ماشین لوکس بخرد؟" استدلالی است. این سوال به دنبال اطلاعات نیست. در عوض، به سادگی شاهد را به چالش می‌کشد تا به اعتبار خود حمله کند. شنیده‌ها اعتراضی به شواهدی است که به اطلاعات دست دوم - مانند آنچه شاهد از شخص دیگری شنیده است - به جای دانش دست اول متکی است. هیئت منصفه نمی‌تواند اعتبار فردی را که اظهارات را بیان می‌کند ارزیابی کند و هیچ فرصتی برای بازجویی متقابل وجود ندارد، بنابراین این شواهد معمولاً ممنوع است.

۷-۲- نقض قانون بهترین مدرک

¹- Beyond the Decree Understanding Third-Party Objections against Execution by Possession ,by Dhani , Hiremath*
Published on March 27, 2025By Bhumika Indulia Read more at: <https://www.sconline.com/blog/post/2025/03/27/beyond-the-decree-understanding-third-party-objections-against-execution-by-possession/>

²- Beyond the Decree Understanding Third-Party Objections against Execution by Possession ,by Dhani , Hiremath*
Published on March 27, 2025By Bhumika Indulia



قانون بهترین مدرک زمانی اعمال می‌شود که یکی از طرفین بخواهد نوشته، ضبط یا عکسی را به عنوان مدرک بپذیرد. این قانون تصریح می‌کند که مگر اینکه نسخه اصلی غیرقابل دسترسی باشد، طرف باید از مستند اصلی استفاده کند. لذا می‌توان به مدرکی که از قانون بهترین مدرک پیروی نمی‌کند، اعتراض نمود.

۷-۳- تعصب ناعادلانه (ماده ۴۰۳ قانون شواهد فدرال ایالات متحده)

اعتراض به تعصب زمانی مطرح می‌شود که شواهد، در حالی که بالقوه مرتبط هستند، خطر قابل توجهی برای تأثیرگذاری ناعادلانه بر هیئت منصفه ایجاد می‌کنند. طبق قانون ۴۰۳ از قوانین فدرال شواهد، دادگاه‌ها می‌توانند شواهد را در صورتی که ارزش اثباتی آنها به طور قابل توجهی بیشتر از خطر تعصب ناعادلانه، گنج کردن مسائل، گمراه کردن هیئت منصفه یا ایجاد تأخیر بی‌مورد باشد، رد کنند.

این اعتراض معمولاً برای جلوگیری از تحت الشعاع قرار گرفتن حقایق پرونده توسط مطالب احساسی یا تحریک‌آمیز استفاده می‌شود - حتی اگر آن مطالب ارتباط منطقی با مسائل دادگاه داشته باشند.

پس از اینکه قاضی ایرادی را وارد می‌داند چه اتفاقی می‌افتد؟ وقتی قاضی ایرادی را وارد می‌داند، به این معنی است که قاضی موافق است که سوال یا مدرک، قوانین مربوط به شواهد را ممکن است نقض نماید. آنچه در مرحله بعد اتفاق می‌افتد به شرایط بستگی دارد؛

به طور خلاصه، یک اعتراض پایدار مانع از رسیدن شواهد مشکل‌ساز به هیئت منصفه می‌شود و وکیل پرسشگر را ملزم به اصلاح مسیر می‌کند. این امر از انصاف محاکمه محافظت می‌کند. هدف نهایی اعتراضات این است که اطمینان حاصل شود فرد محکوم از یک محاکمه عادلانه برخوردار می‌شود و بهترین شانس را برای پیروزی در پرونده دارد.^۱

۷-۴- دوری از فرض نقض رأی صادره

در حالی که برخی از دادگاه‌های عالی رویکرد محدودتری اتخاذ کرده‌اند و بیشتر بر حق تصرف دارنده حکم تأکید دارند و زمینه‌های پذیرش اعتراض شخص ثالث را محدود می‌کنند، برخی دیگر موضع گسترده‌تری اتخاذ کرده‌اند و امکان بررسی بیشتر ادعاهای شخص ثالث را فراهم کرده‌اند تا اطمینان حاصل شود که همه طرف‌های ذی‌نفع در ملک شنیده می‌شوند. این اختلاف در تفکر قضایی منجر به عدم یکنواختی در نحوه رسیدگی به چنین اعتراضاتی شده است و چشم‌اندازی قانونی ایجاد کرده است که در آن نتیجه پرونده‌های مشابه می‌تواند بسته به صلاحیت قضایی به طور قابل توجهی متفاوت باشد. نویسنده این دیدگاه‌های متفاوت را بررسی خواهد کرد و استدلال‌های کلیدی و اصول حقوقی را که تصمیمات دادگاه‌های عالی مختلف را در این مورد شکل داده‌اند، برجسته خواهد کرد. در کشور هندوستان که یکی از تأثیر پذیرترین کشورهای آسیایی از مبادی و مبانی حقوق کامن‌لا می‌باشد، پرونده رام چاندرا ورما علیه منمال سینگی (از این پس، «پرونده رام ورما»)^۵، سوال مطرح شده نزد دادگاه عالی سیکیم این بود که آیا دادگاه اجراکننده می‌تواند بدون در نظر گرفتن اعتراضات مطرح شده توسط شخص ثالثی که مالک اموال حکم است، به این دلیل که

^۱- Rivanli Azis, Kurnia Warman, Yoserwan Yoserwan, Prosecutor's Position in the Third Party Objections the Decision of the Court That Confiscating Evidence Goods for the State in Narcotic Criminal Acts, Home, Vol 7, No 6 (2020)



ملزم به اجرای حکم نیست، رسیدگی کند. دادگاه اجراکننده، که درخواست تجدیدنظر از آن به دادگاه عالی ارائه شده بود، حکم داد که از آنجا که هیچ ماده صریحی برای درخواست شخص ثالث برای طرح اعتراض علیه اجرای حکم وجود ندارد، درخواست رد شد. با این حال، دادگاه عالی سبکیم به شدت بر نقض اصول عدالت طبیعی که در صورت درست فرض شدن نظر دادگاه اجراکننده حکم رخ می‌داد، تأکید کرد. دادگاه عالی، ماده ۳۵ از دستور ۲۱۶ را به منظور جبران نقض فرضی تفسیر کرد.

در حالی که پرونده رام و رما^۱ به شخص ثالث اختیار داد تا طبق ماده ۳۵ به دادگاه اجراکننده حکم اعتراض کند، دادگاه عالی مادیا پرادش در پرونده باگوات نارایان دیودی علیه کاستوری^۲، تمام بار را بر دوش دارنده حکم گذاشت. رأی بر این شد که تنها کاری که شخص ثالث باید انجام دهد این است که به دادگاه اطلاع دهد که بر اساس حقی مستقل از بدهکار حکم و نه به تحریک او، مالک اموال حکم است. اگر این کار انجام می‌شد، تمام بار به دوش دارنده حکم می‌افتاد تا ثابت کند که معترض، در واقع، «شخصی است که طبق ماده ۳۵ ملزم به اجرای حکم» است. اگر دارنده حکم در اثبات این موضوع شکست می‌خورد، دادگاه اجراکننده نمی‌توانست اجرای حکم را ادامه دهد تا زمانی که او طبق ماده ۹۷ دستور ۲۱، درخواستی مبنی بر شکایت از چنین مقاومت یا مانعی ارائه دهد.^۳

۵-۷- تشخیص اعتراض ثالث بر اجرا به منظور اطلاع روند اجرا و ذینفع بودن شاکی

رأی صادره در پرونده باگوات نارایان^۴ پیامدهای شدیدی داشت. اولاً، یکی از اساسی‌ترین اصول قانون ادله اثبات دعوی این است که بار اثبات یک واقعیت بر عهده شخصی است که ادعای وجود چنین واقعیتی را مطرح می‌کند. با این حال، دادگاه، با بی‌توجهی کامل، تمام بار را بر دوش دارنده حکم گذاشت. نتیجه این امر این است که دادگاه اجراکننده حکم نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا شخص ثالث واقعاً یک دعوی اولیه مطرح کرده است یا صرفاً به تحریک بدهکار حکم، به منظور طولانی کردن غیرضروری اجرای حکم، اقدام کرده است. ثانیاً، از آنجایی که هیچ محدودیتی برای تعداد اشخاص ثالثی که می‌توانند درخواست اعتراض به اجرای حکم را ارائه دهند، تعیین نشده است، روند رسیدگی می‌تواند بی‌وقفه ادامه یابد. سوم و مهمتر از همه، این دیدگاه، همراه با قانون ۱۰۳ دستور ۲۱۱۲، که مقرر می‌دارد هر دستوری که در رابطه با مقاومت/مانع صادر شود، دارای قدرت یک حکم خواهد بود (که مقررات مربوط به احکام به طور کلی در این موارد نیز اعمال می‌شود)، به این معنی است که توقف اجرا تا زمان پایان یافتن درخواست تجدیدنظر نهایی ادامه خواهد یافت. این امر منجر به عذاب غیرمنطقی برای دارنده حکم خواهد شد.

^۱- 1982 SCC OnLine Sikk 3.

^۲- 1973 SCC OnLine MP 36.

^۳- Civil Procedure Code, 1908, Or. 21 R. 97.

^۴- 1973 SCC OnLine MP 36.



پیامدهای بسیار مشکل‌سازی که پرونده باگوات نارایان^۱ ایجاد کرد، به درستی توسط یک هیئت کامل (۳ قاضی) در پرونده اوشا جین علیه مانموهان باجاج (از این پس "اوشا جین")^۲ مورد توجه قرار گرفت و اصلاح شد. مطابق با حکم پرونده پاندیت رامگولام چوبی علیه ماهندرا کومار^۳، دادگاه عالی ایالت اوشا جین^۳ موضع قانونی را در رابطه با دو ماده روشن کرد. اولاً، در خصوص قانون ۳۵، دیوان اعلام کرد که با توجه به اصرار شخص ثالث، هیچ تحقیقی در مورد حق او در نظر گرفته نشده است. ثانیاً، رأی بر این شد که ماده ۹۷، که درخواست دارنده حکم مبنی بر شکایت از مقاومت/مانع را پیش‌بینی کرده بود، صرفاً ماهیت مجاز/توانمندساز داشته و الزامی نیست. این تنها یکی از دو گزینه موجود برای دارنده حکم بود؛ گزینه دوم این بود که او می‌توانست درخواست حکم تصرف جدید کند.

دادگاه عالی کلکته در پرونده Gopal Chandra Sadhukhan علیه Sk دیدگاه گسترده‌ای اتخاذ کرد.^۴ Jamsed، که در آن حکم داده شد که سه دسته از اشخاص زیر هیچ جایگاهی برای درخواست رسیدگی طبق ماده ۹۷ ندارند: یک، شخص ثالثی که با حسن نیت ادعا می‌کند که مال را به حساب خود در اختیار دارد؛ یا دو، به حساب شخصی غیر از بدهکار مورد حکم؛ و سه، شخصی که با حسن نیت ادعا می‌کند که حق تصرف چنین ملکی را دارد.^۵

۶-۷- رسیدگی به اعتراض ثالث اجرای فقط در مقام نص صریح و پرهیز در تجویز رسیدگی در مقام تفسیر قوانین

با توجه به پیچیدگی‌های مربوط به اعتراض اشخاص ثالث در اجرای احکام و لزوم صیانت از دارنده حکم، همچنین لزوم مقابله با سوء نیت در اعتراض ثالث اجرایی توصیه‌ای ارائه داد مبنی بر اینکه توضیحی به شرح زیر به قوانین حمایت کننده از اعتراض ثالث ضافه شود:

توضیح. - هیچ چیز در این قانون نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به خریدار که دارنده حکم نیست (یا هر شخصی که به نمایندگی از چنین شخصی عمل می‌کند) اجازه دهد تحت این قانون درخواست دهد.^۶

کمیسیون حقوقی بر اهمیت ایجاد تعادل بین حقوق دارندگان حکم با منافع مشروع اشخاص ثالثی که بخشی از دادرسی اولیه نبودند اما ادعای حق مستقلی بر ملک دارند، تأکید کرد. این [پرونده] در پی اثبات این واقعیت بود که تنها به درخواست دارنده حکم، درخواستی تحت ماده ۹۷ مطرح شده است و در نتیجه، تنها گزینه‌های موجود برای شخص ثالث، درخواست رسیدگی به حق خود پس از سلب مالکیت تحت ماده ۹۹ یا طرح دعوی مدنی مستقل است. با این حال، در قوانین ایالات متحده، هند و انگلستان تاکنون تصمیم به اجرای این توصیه نگرفته است.

^۱- 1973 SCC OnLine MP 36.

^۲- 1980 SCC OnLine MP 44..

^۳- 1980 SCC OnLine MP 44.

^۴- 1964 SCC OnLine Cal 140.

^۵- 1964 SCC OnLine Cal 140.

^۶- Law Commission of India, Conflicting Judicial Decisions Pertaining to the Civil Procedure Code, 1908, Report No. 144, Paras 8.2.1-8.2.8.



لازم به ذکر است در حقوق کامن لا این اعتقاد وجود دارد؛ تمام اختلافاتی که بین دارنده حکم و شخص ثالثی که در تصرف است و در برابر تحویل تصرف به دارنده حکم مقاومت می‌کند، ایجاد می‌شود، باید توسط خود دادگاه اجراکننده حکم حل و فصل شود. یکی از مبادی این نظریه که به صورت عرفی و نه قانونی، لزوم انتزاع معترض از ملک مورد حکم را شرط ثالث بودن تلقی نموده بودند؛ این است که شخص ثالث مجبور نیست منتظر بماند تا از ملک مورد حکم خارج شود تا بتواند اعتراض کند.

۷-۷- مدعی محسوب کردن فرد ثالث و لزوم ارائه مستندات توسط فرد ثالث و تثبیت فرض قانونی در حمایت از دارنده حکم

علاوه بر این رویکردهای مقابله با سوء نیت شخص ثالث اینست که، در ابتدا بار مسئولیت بر دوش شخص ثالث گذاشته شود. باید ماده‌ای وضع شود که شخص ثالث را موظف کند در اولین حضور خود در دادگاه اجراکننده حکم، تمام مدارکی را که به نفع ادعای خود مبنی بر حق/سند مالکیت بر اموال مورد حکم مستقل از بدهکار حکم دارد، ارائه دهد. هیچ گونه ارفاقی نباید در مورد تعویق در نهایت، دادگاه اجراکننده حکم باید از اعطای تعلیق اجرای حکم تا زمانی که شخص ثالث (معترض) ادعای اولیه خود را مطرح کرده و به طور منطقی حق/سند مالکیت مستقل خود را برآورده کند، خودداری کند. تنها در این صورت است که باید از دارنده حکم بخواهد به ادعای شخص ثالث پاسخ دهد. در این پروژه، من تفسیرهای مختلف دادگاه‌های عالی مختلف در مورد اعتراض شخص ثالث در اجرای احکام را بررسی کرده‌ام و تناقضات موجود در رویکردهای آنها را برجسته کرده‌ام. من همچنین تصمیمات دیوان عالی کشور را با هدف ارائه درک جامع‌تری از جایگاه فعلی قانون، مورد بحث و تحلیل انتقادی قرار داده‌ام. با این حال، هنوز شکاف‌هایی وجود دارد که باید برای دستیابی به یک چارچوب حقوقی متعادل و عادلانه برطرف شوند.

هدف این پروژه پیشنهاد راهی روشن‌تر و منصفانه‌تر برای ایجاد تعادل بین حقوق دارنده حکم و شخص ثالث است، به طوری که عدالت برای همه افراد درگیر رعایت شود. آنچه باید جستجو شود، تعادل بین حقوق دارندگان حکم برای اجرای حکم و ادعاهای مشروع شخص ثالث است.

ه - لزوم صیانت و ترجیح حقوق عمومی بر حقوق خصوصی افراد در اجرای حکم ناشی از جرایم مواد مخدر

هیئت قضات دادگاه بدوی، راهکارهای اعتراض شخص ثالث را با حسن نیت به تصمیم دادگاه بدوی تفسیر کردند مبنی بر اینکه مصادره اموال به نفع دولت در جرایم مواد مخدر مندرج در ماده ۱۰۱ بند (۲) قانون شماره ۳۵ سال ۲۰۰۹ در مورد مواد مخدر، همان *derden verzet* در قانون آیین دادرسی مدنی است که در ماده ۱۹۵ بند (۶) قانون HIR یا ماده ۳۷۸ Rv تنظیم شده است. این امر به دلیل عدم توضیح اعتراض در ماده ۱۰۱ بند (۲) قانون شماره ۳۵ سال ۲۰۰۹ در مورد مواد مخدر است. مشکلاتی که مطرح می‌شوند عبارتند از: (۱) موضع دادستان در مورد اعتراض شخص ثالث به تصمیم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال و مدارک به نفع دولت در جرایم مواد مخدر چگونه است، (۲) معیارهای اشخاص ثالثی که حسن نیت دارند در مورد اعتراض شخص ثالث به تصمیم دادگاه کشوری که اموال و مدارک را به نفع دولت در جرایم مواد مخدر مصادره می‌کند چگونه است، و (۳) رویه اعتراض شخص ثالث به تصمیم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال و مدارک به نفع دولت در جرایم مواد مخدر چگونه است.



با تأکید بر جنبه‌های قانونی مرتبط با مشکل و مرتبط با مواد قانونی موجود باید مشخص شود: (۱) موضع دادستان در موضوع شخص ثالث به نفع تصمیم دادگاه ایالتی مبنی بر مصادره اموال مدرک برای کشور در جرم مواد مخدر، نمایندگی دولت به عنوان خوانده/متهم بر اساس مالکیت موضوع اختلاف که توسط دادگاه ایالتی در جرم مواد مخدر مصادره شده بود، بود. (۲) معیار حسن نیت شخص ثالث در پرونده اعتراض به حکم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال مدرک برای دولت در جرم مواد مخدر، کسب حقوق مالکیت است که در توافق‌نامه‌ها مشهود است، عدم آگاهی و عدم اجازه استفاده از چنین اموال مدرک به عنوان وسیله یا ابزار کمک به ارتکاب جرم مواد مخدر، و (۳) رویه اعتراض شخص ثالث با حسن نیت علیه تصمیم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال مدرک برای دولت در جرم مواد مخدر، ارائه اعتراض شخص ثالث به دفتر دادستانی بر اساس *derden verzet* مطابق بند (۶) ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی ظرف ۱۴ (چهارده) روز پس از اعلام دادگاه بدوی است.^۱

۷-۸- لزوم صیانت و ترجیح حقوق عمومی بر حقوق خصوصی افراد در اجرای حکم ناشی از جرایم مواد مخدر

هیئت قضات دادگاه بدوی، راهکارهای اعتراض شخص ثالث را با حسن نیت به تصمیم دادگاه بدوی تفسیر کردند مبنی بر اینکه مصادره اموال به نفع دولت در جرایم مواد مخدر مندرج در ماده ۱۰۱ بند (۲) قانون شماره ۳۵ سال ۲۰۰۹ در مورد مواد مخدر، همان *derden verzet* در قانون آیین دادرسی مدنی است که در ماده ۱۹۵ بند (۶) قانون HIR یا ماده ۳۷۸ Rv تنظیم شده است. این امر به دلیل عدم توضیح اعتراض در ماده ۱۰۱ بند (۲) قانون شماره ۳۵ سال ۲۰۰۹ در مورد مواد مخدر است. مشکلاتی که مطرح می‌شوند عبارتند از: (۱) موضع دادستان در مورد اعتراض شخص ثالث به تصمیم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال و مدارک به نفع دولت در جرایم مواد مخدر چگونه است، (۲) معیارهای اشخاص ثالثی که حسن نیت دارند در مورد اعتراض شخص ثالث به تصمیم دادگاه کشوری که اموال و مدارک را به نفع دولت در جرایم مواد مخدر مصادره می‌کند چگونه است، و (۳) رویه اعتراض شخص ثالث به تصمیم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال و مدارک به نفع دولت در جرایم مواد مخدر چگونه است. با تأکید بر جنبه‌های قانونی مرتبط با مشکل و مرتبط با مواد قانونی موجود باید مشخص شود: (۱) موضع دادستان در موضوع شخص ثالث به نفع تصمیم دادگاه ایالتی مبنی بر مصادره اموال مدرک برای کشور در جرم مواد مخدر، نمایندگی دولت به عنوان خوانده/متهم بر اساس مالکیت موضوع اختلاف که توسط دادگاه ایالتی در جرم مواد مخدر مصادره شده بود، بود. (۲) معیار حسن نیت شخص ثالث در پرونده اعتراض به حکم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال مدرک برای دولت در جرم مواد مخدر، کسب حقوق مالکیت است که در توافق‌نامه‌ها مشهود است، عدم آگاهی و عدم اجازه استفاده از چنین اموال مدرک به عنوان وسیله یا ابزار کمک به ارتکاب جرم مواد مخدر، و (۳) رویه اعتراض شخص ثالث با حسن نیت علیه تصمیم دادگاه ناحیه مبنی بر مصادره اموال مدرک برای دولت در

^۱- Rabu, Juli 13, 2022 | Issue Number : 4420 , Objection Settlement Guidelines for Third Parties Acting in Good Faith Introduced.



جرم مواد مخدر، ارائه اعتراض شخص ثالث به دفتر دادستانی بر اساس derden verzet مطابق بند (۶) ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی ظرف ۱۴ (چهارده) روز پس از اعلام دادگاه بدوی است.^۱

نتیجه گیری

ثر خصوص اعتراض ثالث اجرایی شرایط، ضوابط و لوازم آن توسط در مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی ایران تشریح شده است یکی از طرق فوق العاده رسیدگی است که صاحب حق را از تشریفات دادرسی و هزینه های متعلق به اصل خواسته معاف می نماید. در این میان این نهادهای فوق العاده گاهی وفتها محمی جهت سوء استفاده از حق توسط محکومین یا بی حقان یا کسانی که در جریان محکومیت و توقیف مال حسن نیت ندارند تبدیل شده است. همانگونه که ذکر شد در این مقاله اصل اعتراض ثالث اجرایی تشریح و احکام و ضوابط آن بیان شد. از طرفی معیارهای عدم حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی نیز تشریح شد که در راستای تبانی برای بردن مال دیگری، طولانی کردن روند دادرسی و ایجاد فرصت جهت استفاده از حریه های دیگر جهت دست یافتن به مال توقیف شده می باشد. نتیجه بررسی ها نشان داد که مشکلات واحد اجرای احکام قضایی در حوزه محکومیت های مالی بواسطه اعراض از حسن نیت معترض و موانع موجود در اجرای سریع، آسان و کم هزینه احکام را که عمدتاً منتسب به متهم و رفتارهای آمیخته با تقلب، حيله و تبانی اوست، بررسی کند تا شناسایی و بر اساس رویه قضایی، راهکاری برای تضمین سلامت دادرسی ارائه دهد. با توجه به اینکه منبع مستقل و جامعی در این زمینه وجود ندارد، این موضوع با تأکید بر رویه قضایی و نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه که یکی از راهکارهای ایجاد رویه قضایی در دادگاه ها است، مورد بحث قرار می گیرد. در این میان راه حل های حقوقی و کیفری در مقاله با این پدیده تشریح که در نهایت جریان نداشتن عدم توجه ایرادات در برابر دارنده فاقد حسن نیت با وحدت ملاک دلیل فحوی از وصف تجریدی اسناد تجاری و تعیین مجازات تحت عنوان تبانی برای بردن مال دیگری به عنوان تنها راهکارهای حقوقی مقاله با اعراض از حسن نیت در اعتراض ثالث اجرایی شناسایی و تشریح شد.

^۱- Rabu, Juli 13, 2022 | Issue Number : 4420 , Objection Settlement Guidelines for Third Parties Acting in Good Faith Introduced.



منابع و مآخذ:

منابع فارسی:

- اباذری فومشی، منصور. قانون اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی. تهران: خرسندی، ۱۳۸۶.
- احمدی، نعمت. آیین دادرسی مدنی. تهران: اطلس، ۱۳۸۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. دانشنامه حقوقی. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق (ج ۱)، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
- حسینی، سید محمد رضا. قانون اجرای احکام مدنی در رویه قضایی. چاپ دوم. تهران: بینه، ۱۳۸۴.
- حیاتی، علی عباس. قانون اجرای احکام مدنی در نظم حقوقی کنونی. چاپ اول. تهران: میزان، ۱۳۹۰.
- دالوری، محمد رضا، شرح و تحلیل قانون دیوان عدالت اداری، تهران: جنگل، ۱۳۹۴.
- دولاح، عبدالصمد. اعتراض شخص ثالث در دادرسی های مدنی. چاپ دوم. تهران: دادگستر، ۱۳۸۶.
- رضایی رجانی، ولی الله. اجرای احکام مدنی. چاپ اول. تهران: جاودانه، ۱۳۸۵.
- شمس، عبدالله. آیین دادرسی مدنی. جلد اول. چاپ یازدهم. تهران: دراک، ۱۳۸۵.
- صدرالحفاظی، نصرالله، نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری، تهران: شهریار، چاپ اول، ۱۳۷۲.
- صدرزاده افشار، محسن. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، چاپ نهم. تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵.
- صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران: میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۷.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری تطبیقی، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
- عبدالله شمس. «ثالث در صحنه توقیف». مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی ۲۱ (۱۳۷۷): ۶۵-۸۵.
- کاتوزیان، ناصر. قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی. چاپ یازدهم. تهران: میزان، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات (جلد ۲)، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، تهران: کانون وکلای دادگستری، ۱۳۸۶.
- کرامت، قاسم. «بررسی تطبیقی اعتراض شخص ثالث نسبت به بازداشت مال». پایان نامه ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.
- مالوری، فیلیپ، اندیشه های حقوقی، ترجمه: مرتضی کلانتریان، تهران: آگاه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران: مجد، ۱۳۸۷.
- محمودی، جواد، بررسی تحلیلی دادرسی اداری در حقوق ایران، تهران: جنگل، ۱۳۹۳.
- مدنی، جلال الدین. آیین دادرسی مدنی. جلد سوم. چاپ پنجم. تهران: پایدار، ۱۳۷۸.
- مدنی، سید جلال الدین، آیین دادرسی مدنی، تهران: میزان، ۱۳۹۲.
- مهاجری، علی. شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی. چاپ اول. تهران: فکرسازان، ۱۳۸۳.
- مهاجری، علی، شرح جامع قانون اجرای احکام مدنی ج ۲، تهران: فکرسازان، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- مهرپور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران: مطالعات، چاپ ششم، ۱۳۹۴.



- مولاییگی، غلامرضا، صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، تهران: جنگل، ۱۳۹۳.
- نهرینی، فریدون. دستور موقت در حقوق ایران و پژوهشی در حقوق تطبیقی. چاپ اول. تهران: گنج دانش، ۱۳۸۷.
- نوکنده‌ای، عزیز، تفسیر قضایی آیین دادرسی مدنی، تهران: نگار، ۱۳۹۰.
- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی و آزادی‌های اساسی، تهران: میزان، ۱۳۸۴.
- واحدی، قدرت الله، آیین دادرسی مدنی، تهران: میزان، ۱۳۸۸.

منابع لاتین:

- Holy Quran [In Arabic]
- Al-Sanhouri, Abdul Razzaq (No date). The Medium in the Description of the Civil law , Beirut: Arabic heritage revival house [In Arabic]
- Amid, Hassan (2005). Persian Dictionary, Tehran: Amirkabir Publication [In Persian]
- Ashtiani, Mohammad Hassan (2004). Judgment book, Qom: Zohair [In Arabic]
- Baheiri, Abdul Wahab (1997). Sharia tricks incompatible with Jurisprudence, Translator: Saberi, Hossein, Mashhad: Astan Quds Razavi Research Foundation [In Persian]
- Bahrani, Yusuf Ibn Ahmad (1984). Gardens overlooking in the Decree of His Holy Family, Qom: Qom Seminary [In Arabic]
- Dehghani Firouzabadi, Hossein (2018). A Trick in Civil Proceedings, Tehran: Fekrsazan Publication [In Persian]
- Gerami, Hossein and Foroughi, Mohammad (2015). Article-by-article Description of the Law on the Execution of Financial Convictions Approved in ۱۳۹۴, Tehran: Jangal Publication [In Persian]
- Hayati, Ali Abbas (2015). Implementation of Civil Judgments in the Current Legal system, Tehran: Mizan Publication [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1381). Encyclopaedia of Islamic Sciences (Judicial), Tehran: Ganj Danesh Publication [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1999). Expanded on Legal Terminology, Tehran: Ganj Danesh Publication [In Persian]
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (2000). Expanded on Legal Terminology, Tehran: Ganj Danesh Publication [In Persian]
- Karimi, Abbas (2010). Civil Procedure Law, Tehran: Majd Scientific and Cultural Assembly (Majd Publication) [In Persian]
- Kashani, Mahmoud (1975). The Theory of Fraud Against the Law (Tricks,) Tehran: National University of Iran Publication [In Persian]
- Katouzian, Nasser (1997). Requirements Outside the Contract, Tehran: University of Tehran Publication [In Persian]
- Madani, Seyed Jalaluddin (1997). Code of Civil Procedure, Tehran: Paydar Publication [In Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser (2004). Shariah Tricks and Correct Solutions in Islamic Jurisprudence, Qom: Al-Imam Ali Ibn Abi Taleb (AS) School [In Persian]



Waiver of Good Faith in Third-Party Administrative Objection in Iranian Law and Common Law

Taifi Nasrabadi Fatemeh^۱

Bakhtjoo Roohollah^۲

Abstract

Third-party objection, as a general legal concept, has been referred to and implemented in various ways in different legal systems. When a person is neither present during the regular or urgent proceedings nor summoned as a party to the lawsuit, but the judicial decision or ruling in some way violates his rights, the legislator has foreseen the possibility of a third-party objection in order to address his alleged rights. Obviously, in cases where the third-party objector presents a final judgment when the property is seized, there is no problem, because assuming that the third-party objection is admissible during the seizure of property, in any case, the final judgment relates to the time before the seizure, but in cases where there is a significant time gap between the time the property is seized and the third-party notification and the filing of the claim; the above problem arises and arises. In this regard, it is necessary for the court judges to identify the issue and provide the necessary arrangements for a faster and less formal hearing. Sometimes this method, which is intended to achieve the right, becomes a pretext for abuse by the unentitled or the debtor with bad intentions, and poses a serious problem to the judicial system and the realization of the right. However, another duty of the judge is to control misconduct and lack of good faith. One of the best and most immediate guarantees for the implementation of the abuse of the right is the deprivation of the right. Therefore, the cancellation of a false claim and failure to address it, the refusal to accept the depreciated property introduced with the motive of delaying the execution of the judgment, the rejection of false claims and the implementation of guarantees for the implementation of false claims, etc. are all duties. There are many criteria in recognizing the abuse of the right, and as the legislator speaks in Article 132 of the Civil Code of meeting the need and averting the loss, the judge is exempt from discovering the real intention of the owner. However, on the other hand, the judge can determine, considering the existing situation, whether the action of the debtor of the judgment is common or intended to delay the execution of the judgment.

Keywords: Good faith, abstract description, third-party executive objection, fraud in third-party executive objection.

^۱ Department of Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran: (Corresponding author) fatemehtayefi23@gmail.com

^۲ Department of Law, Taft Branch, Islamic Azad University, Taft, Iran: dr.bakhtjoo.ut@gmail.com